



قدم به قدم، همراه دانشجو...

WWW.GhadamYar.Com

جامع ترین و به روز ترین پرتال دانشجویی کشور (پرتال دانش)  
با ارائه خدمات رایگان، تحصیلی، آموزشی، رفاهی، شغلی و...  
برای دانشجویان

- ۱) راهنمای ارتقاء تحصیلی. (کاردانی به کارشناسی، کارشناسی به ارشد و ارشد به دکتری)
- ۲) ارائه سوالات کنکور مقاطع مختلف سالهای گذشته، همراه پاسخ، به صورت رایگان
- ۳) معرفی روش‌های مقاله و پایان‌نامه نویسی و ارائه پکیج‌های آموزشی مربوطه
- ۴) معرفی منابع و کتب مرتبط با کنکورهای تحصیلی (کاردانی تا دکتری)
- ۵) معرفی آموزشگاه‌ها و مراکز مشاوره تحصیلی معتبر
- ۶) ارائه جزووات و منابع رایگان مرتبط با رشته‌های تحصیلی
- ۷) راهنمای آزمون‌های حقوقی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- ۸) راهنمای آزمون‌های نظام مهندسی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- ۹) راهنمای آزمون‌های کارشناسان رسمی دادگستری به همراه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- ۱۰) آخرین اخبار دانشجویی، در همه مقاطع، از خبرگزاری‌های پر بازدید
- ۱۱) معرفی مراکز ورزشی، تفریحی و فروشگاه‌های دارای تخفیف دانشجویی
- ۱۲) معرفی همایش‌ها، کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌های ویژه دانشجویی
- ۱۳) ارائه اطلاعات مربوط به بورسیه و تحصیل در خارج و معرفی شرکت‌های معتبر مربوطه
- ۱۴) معرفی مسائل و قوانین مربوط به سربازی، معافیت تحصیلی و امریه
- ۱۵) ارائه خدمات خاص ویژه دانشجویان خارجی
- ۱۶) معرفی انواع بیمه‌های دانشجویی دارای تخفیف
- ۱۷) صفحه ویژه نقل و انتقالات دانشجویی
- ۱۸) صفحه ویژه ارائه شغل‌های پاره وقت، اخبار استخدامی
- ۱۹) معرفی خوابگاه‌های دانشجویی معتبر
- ۲۰) دانلود رایگان نرم افزار و اپلیکیشن‌های تخصصی و...
- ۲۱) ارائه راهکارهای کارآفرینی، استارت آپ و...
- ۲۲) معرفی مراکز تایپ، ترجمه، پرینت، صحافی و ... به صورت آنلاین
- ۲۳) راهنمای خرید آنلاین ارزی و معرفی شرکت‌های مطرح
- ..... (۲۴)



WWW.GhadamYar.Ir

۰۹۱۲ ۳۰ ۹۰ ۱۰۸

WWW.PortaleDanesh.com

باما همراه باشید...  
WWW.GhadamYar.com

WWW.GhadamYar.Org

۰۹۱۲ ۰۹ ۰۳ ۸۰۱

**VARAMIN-TPNU-AC.VCP.IR**

دانشگاه پیام نور مرکز ورامین - رشته حقوق

[Varamin\\_news@live.com](mailto:Varamin_news@live.com)



دانشگاه پیام نور مرکز ورامین - رشته حقوق

۱۳۸۹

آیین دادرسی کیفری 1

بخش نخست: کلیات و تحولات آیین دادرسی کیفری:

فصل اول-کلیات:

مبحث اول: جایگاه آیین دادرسی کیفری

1- موضوع: مجموعه قواعد و مقررات در طول رسیدگی کیفری به معنای گسترده آن که باید رعایت شود.

نک- آیین دادرسی کیفری تا قبل از جنگ جهانی دوم در کشور ما اصول محاکمات جزایی نامیده می شد.

2- تعریف : مجموعه مقرراتی که برای کشف جرم، تعقیب متهمان، تحقیق، تعیین مراجع صلاحیتدار، طرق شکایت از احکام و نیز بیان تکلیف مسنولان قضایی و انتظامی در طول رسیدگی به دعوی کیفری و اجرای احکام از یک سو و حقوق و آزادیهای متهمان از سوی دیگر وضع و تدوین شده است.

3- هدف آیین دادرسی کیفری : تفکیک اتهامات صحیح از تعقیبات ناروا، پیشگیری از اشتباہات قضایی، تأمین آرامش خاطر شهروندان.

### **مبثت دوم: آیین دادرسی حقوقی و کیفری:**

پیدایش آیین دادرس کیفری، همزمان با پیدایش دادگاههای تفتیش عقاید و نظام رسیدگی تفتیشی بوده است. در گذشته های دور رسیدگی به جرایم به صورت ترافعی هم در امور حقوقی و هم در امور کیفری بود.

#### **1- اختلاف در موضوع:**

الف- در آیین دادرسی کیفری رسیدگی به جنبه عمومی جرم مطرح است.

ب- در آیین دادرسی حقوقی رسیدگی به دعاوی مالی و جنبه خصوصی جرم مطرح است.

#### **2- از لحاظ مرجع رسیدگی:**

الف- کیفری: تشکیل پرونده شخصیت برای متهم به ویژه اطفال و شناخت متهم برای صدور رأی لازم است.

ب- حقوقی: اجرای عدالت بدون شناخت شخصیت متهم امکان پذیر است.

#### **3- اختلاف از لحاظ اصحاب دعوا:**

الف-کیفری: یک طرف آن قدرت عمومی است، قاضی تحقیقات لازم را باید انجام دهد.

ب- حقوقی: متعلق به اصحاب دعوا است و طرح تعقیب یا انصراف از آن نیز به آنان سپرده شده است.

نک- میانجیگری و گسترش آن به مرحله تعقیب متهم از سوی دادسرا که در چارچوب اقتضای تحقیق صورت می پذیرد امروزه از جمله اهرمهای سیاست جنایی است.

#### **4- ادلة اثبات دعوای کیفری:**

الف-کیفری: طرف اصلی دعوا دادسرا یا ارگان مشابه است.

ب- حقوقی: ارائه دلیل بر عهده اصحاب دعوا است.

نک- تشخیص لوث و توسل به قسامه، اختصاص به امور کیفری و آن نیز در جرایم علیه تمامیت جسمانی است.

#### **5- اعمال مقررات آیین دادرسی حقوقی در رسیدگی های کیفوی مجاز است به دلیل:**

الف-وحدت آیین دادرسی کیفری و حقوقی در گذشته

ب- وحدت برخی فنون قضایی در آیین دادرسی کیفری و حقوقی

ج- وحدت شیوه انتخاب قضات

#### **نک-شرایط این کارد فرانسه و ایران:**

1- عدم تکافوی مقررات آیین دادرسی کیفری

2- کلیت قواعد آیین دادرسی حقوقی که قاضی کیفری قصد اعمال آن را دارد.

3- مغایر نبودن این قواعد با سایر مقررات آیین دادرسی کیفری.

### **مبحث سوم: آیین دادرسی کیفری و حقوق جزا:**

#### **1- قوانین شکلی و ماهوی:**

الف- قوانین حقوق جزا : ماهوی به معنای اخص، قواعدی هستند که اعمال ممنوع و در خور مجازات را تع ریف و در نوع یا میزان مجازاتها تغییر ایجاد می کنند.

ب- آیین دادرسی کیفری: شکلی به معنای وسیع «تعقیب متهم، تحقیق، محاکمه، اجرای حکم و ...» نک: در نظام کامن لا، امکان درک مقررات کیفری بدون آشنایی کامل به رسیدگی توسط هیأت منصفه و نیز تفکیک دعوا به دو مرحله محکومیت و مجازات وجود ندارد.

#### **2- فواید تفکیک مقررات شکلی از ماهوی:**

الف- حقوق جزا : تفسیر مضيق امکان پذیر است و قیاس در آن راه ندارد.  
ب- آیین دادرسی کیفری: تفسیر موسع به سود متهم امکان دارد و قیاس تا آنجا که برای حفظ حقوق و آزادیهای متهم لازم باشد ضروری و پذیرفتنی است.

#### **3- قلمرو قوانین شکلی در زمان:**

قوانين ماهوی عطف بمسیقی شوند، قوانین شکلی عطف بمسیقی می شوند.  
نک: در فرانسه در دو مورد قوانین شکلی عطف بمسیقی نمی شوند:  
1- وقتی که برای متهم حق مکتبی ایجاد شده باشد.  
2- وقتی قانون جدید آثار اقدامات قضایی را که طبق مقررات قبلی صحیحاً انجام شده کان لم یکن محسوب کند.  
نک: رویه قضایی فرانسه دعوای عمومی را قابل عطف بمسیقی شدن می داند، و در مرور زمان مجازات الاجرا در زمان مجازات را ملاک محاسبه قرار می دهد.

### **فصل دوم- نظامها و تحولات آیین دادرسی کیفری**

#### **مبحث اول: نظام اتهامی**

این نظام قدیمی ترین شیوه رسیدگی به دعاوی است - در آمریکای شمالی، کانادا و انگلیس و غیره حاکم است.

#### **1- ویژگیهای نظام اتهامی**

الف- ضرورت طرح شکایت از سوی شاکی-سوگند دادن شاکی برای جلوگیری از شکایتهای ناروا

ب- شفاهی بودن رسیدگی (به دلیل بی سواد بودن مردم)

ج- علنی بودن محاکمه

د- ترافعی بودن

و- رعایت تساوی بین اصحاب دعوا- این امر از نظر فقهای امامیه از واجبات است و از وظایف قاضی و قانونگذار است «تساوی سلاحها».

#### **2- گردش کار و شیوه محاکمه:**

- الف- شکایت شاکی – اعتراف متهم، صدور رأى = نیازی به اظهار نظر هیئت منصفه نیست.  
ب- شکایت شاکی- نپذیرفتن اتهام توسط متهم= رسیدگی توسط هیئت منصفه.

### 3- ادله اثبات دعوا:

الف- قسامه: مهمترین دلیل اثبات دعوا است و در نظام اتهامی تعداد قسامه بستگی به تقوا و حسن شهرت و موقعیت اجتماعی فرد دارد

ب- اوردالی و دوئل «داوری ایزدی» طبق قانون سالیک :

- ریشه در اعتقادات دورن بت پرسنی دارد.

- در قانون حمورابی نیز پذیرفته شده است.

- در اروپلی قرون وسطی از آب جوش و آهن تفتیه برای این موارد استفاده می شد.

- در اروپا پس از تحریم اوردالی از سوی شورای عالی کلیسا در «لاتران» 1215 م «دونل یا پیکارتون به تن » ، متدالو شد و در قرن سیزده عالی ترین دلیل محسوب می شد، و تا قرن پانزده ادامه داشت و در نظام تفتیشی نیز وجود داشت.  
نک- در نظام اتهامی اصل بر برائت است مگر خلاف آن ثابت شود.

### 4- ارزیابی نظام اتهامی:

الف- مزایا:

- از لحاظ سیاسی با اصول دموکراسی سازگارتر بود.

- از دیدگاه قضایی به دلیل تشریفات کم با وضع جوامع ساده آن زمان سازگار بود.

- در نظام اتهامی کنونی، رعایت حقوق متهمان در رسیدگی های کیفری ملحوظ است.

ب- ایراد:

- قاضی در رسیدگی اصولاً نقش حکم و داور را ایفا می کند.

- قاضی از تحصیل دلایل و کوشش در راه وصول به حقیقت ممنوع است.

- بسیاری از جرایم به دلیل ترس شاکی از متهم یا نزدیکان او و عدم شکایت بدون تعقیب می ماند.

- از تهدید به طرح دعاوی واهی جزایی علیه اشخاص بیگناه و در نتیجه اخاذی از آنان جلوگیری نمی کند.

نک- در انگلستان مقامی به نام «مدیر تعقیب» و در کانادا مقامی به نام «دادستان سلطنتی» تعقیب متهمان به جرایمی که برای آنها شاکی خصوصی وجود ندارد را بر عهده دارند.

### 5- ویژگی های نظام اتهامی اسلامی:

الف- هیئت منصفه که در نظام اتهامی آنگلوساکسون است در این نظام نیست.

ب- قاضی در نظام اسلامی از مقام و منزلتی برخوردار است و انتخابش شرایطی دارد.

پ- وحدت قاضی

ت- مجاز بودن قاضی به تحصیل دلیل

ث- نپذیرفتن اصل برائت

ج- فقدان هیئت منصفه

چ- عدم ضرورت طرح شکایت از سوی زیاندیده در جرایم حق الهی

ح- تشریع قسامه: در اسلام بیوای اثبات بزهکاری متهم و برای جرایم علیه تمامیت جسمانی از قسامه استفاده می شد ولی در مغرب زمین برای اثبات بیگناهی متهم و در جرایم علیه اموال و عفت و ... از قسامه استفاده می شد.

خ- فقدان اورDALI

د- تحريم دوئل قضایی.

## مبحث دوم: نظام تفتیشی

### 1- سابقه پیدایش:

- از دیدگاه تاریخی پس از نظام اتهامی به وجود آمد و سابقه ای تاریخی پیدایش آن را باید در عملکردۀ ای دادگاههای کلیسايی جستجو کرد.

- اوایل برای رسیدگی به اتهامات روحانیون مسیحی بود که آنرا طریق «تحقيق غیر متداول» می نامیدند

- در این نظام تحقیقات مقدماتی گسترش یافت و جلسه رسیدگی دادگاه تا حدودی تشریفاتی بود.

نک: نیاز دولتهاي محلی برای اعمال قدرت سیاسی، آنان را وادار به استفاده از نظام تفتیشی کرد. در تاریخ حقوق کشورهای اسلامی در زمان امویان و عباسیان از این شیوه استفاده می شد.

### 2- ویژگی های نظام تفتیشی:

الف- قصاص حرفه ای؛ برخلاف نظام اتهامی

ب- وحدت قاضی و دادستان تعقیب و رسیدگی به جرایم کار یک نفر بود.

پ- کتبی بودن رسیدگی

ت- غیر علنی بودن رسیدگی «عیب آن است»

ج- غیر ترافعی بودن رسیدگی «مهترین ویژگی نظام تفتیشی است».

- در این نظام وکیل مدافع دخالت نمی کند و اصل بر این است که متهم گناهکار است مگر خلاف آن ثابت شود.

### 3- ادله اثبات دعوا:

الف- اقرار متهم: مهمترین دلیل اثبات جرم است.

ب- شکنجه - برای رسیدن به هدف، دو گونه بود:

1- شکنجه تمھیدی، با هدف کسب اقرار و تکمیل پرونده

2- شکنجه قبلی : هدف درباره محکومان به مرگ و هدف اجبار محکوم علیه به معرفی معاونان و شرکای جرم و متداولترین شکنجه متهم در کلیسا بیدار نگهداشتند به مدت 4 روز متوالی

ج- شهادت: شهادت دو مرد بدون توجه به تقوا و پاکدامنی آنان حتی برای صدور حکم اعدام کفايت می کرد .

نک - زنان در دو مورد می توانستند شهادت بدنهند 1- ارتداد 2- سوء قصد به بان پادشاه.

نک- شهادت یک تن نیز به پیروی از حقوق رم همچون شهادت زنان و اطفال معتبر نبود و اماره محسوب می شد.

### 4- ارزیابی نظام تفتیشی:

معایب:

الف- الزام متهم به ادای سوکنده

ب- عدم دخالت وکیل در تحقیقات مقدماتی

ج- عدم اطلاع صحیح متهم از اتهامات منتب به خود

ح- الزام قضات به دستور اجرای مجازات در همان روز صدور حکم

د- الزام شاهد به تأیید مجدد مودای گواهی

و- انتقادات وارد بر شکنجه:

نخست- استفاده از شکنجه به عنوان وسائل قانونی برای وادار کردن متهم به اقرار

دوم- منتقدان شکنجه:

-«ولتر» به تعارض شکنجه با اعتقاد باطنی قاضی

-«لابرویر» شکنجه مطمئن ترین وسیله تبرئه‌ی مجرمان قوی هیکل

-«بکاریا» نتیجه شکنجه با توجه به حساسیت هر فرد و قدرت بدنی او فرق می‌کند.

نک- در سالهای نخستین پس از انقلاب 1789 فرانسه، نظام اتهامی انگلیس بر دادرسیهای کیفری فرانسه حاکم بود، اما نظام داوری انگلیس در این کشور تاب مقاومت نیاورد و سرانجام با تدوین مجموعه قوانین تحقیقات جنایی (کد 1808) ناپلئون نظام مختلط رسیدگی جایگزین نظام تفتیشی شد.

### مبحث سوم: نظام مختلط:

-اگر چه در حقوق انگلیس هیأت منصفه در رسیدگی به اتهامات نقش اساسی دارد ولی هیچگاه در مرحله تحقیقات مقدماتی دخالت نمی‌کند.

-هیئت منصفه در فرانسه:

الف- هیئت منصفه رسیدگی: مرکب از 3 قاضی و 12 عضو، در رسیدگیهای جنایی در دادگاه شرکت داشتند.

ب- هیئت منصفه اتهامی: مرکب از 8 تن که از 30 نفر از داوطلبان به قید قرعه انتخاب می‌شد و قاضی محکمه صلح ریاست آن را بر عهده داشت. این هیئت در انگلیس وجود نداشت.

- دلایل شکست این نظام در فرانسه:

نخست- افزایش آمار جریام پس از انقلاب

دوم- عدم آشنایی هیئت منصفه به وظایف

سوم- اطالة دادرسی به علت مداخله هیئت منصفه اتهامی.

### 1- سابقه پیدایش نظام مختلط:

پیدایش نظام مختلط: دلیل:

الف- انجار فرانسویان از نظام تفتیشی

ب- عدم موفقیت نظام اتهامی - در سال 1808 تدوین شد از ترکیب نظام تفتیشی و اتهامی.

### 2- ویژگیهای نظام مختلط:

الف- رسیدگی در مرحله تحقیقاتی تفتیشی است.

ب- مرحله تحقیقات مقدماتی بر عهده دادسراست.

ج- مرحله رسیدگی و صدور حکم تابع نظام اتهامی است.

تحول نظام مختلط: بیشتر این تحولات در مورد مرحله تحقیقات مقدماتی است و سعی شده از تفتیشی بودن تحقیقات کاسته شده و ترافعی شود.

الف- حق دفاع از متهم: ترافعی بودن تحقیقات مقدماتی است.

قانون موقتی اصول محاکمات جزایی ایران درباره حضور وکیل مدافع در تحقیقات مقدماتی سکوت کرده بود اما در اصلاحات ۱۳۳۵ این حق به متهم داده شد ولی در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب تحدیداتی برای این حق شناخته شد.

- در بعضی کشورها مثل آلمان حضور وکیل مدافع به هنگام تحقیق از متهم برای متهم حق و برای قاضی تکلیف است.

- در فرانسه نیز قبل از شروع به تحقیق از متهم، وکیل مدافع احضار می شود و می تواند از اوراق پرونده کپی برداری کند و لیست اوراق مورد نظر به قاضی تحقیق ارائه می شود و در صورت بروز اختلاف بین وکیل مدافع و قاضی تحقیق حل اختلاف توسط شعبه تحقیق به عمل می آید.

- در فرانسه فقط وکیل متهم حق دارد پرونده را بخواند، نه خود متهم.

- در کشورهای آنگلوساکسون، پلیس عهده دار وظیفه ای است که در نظام رو می ژرمنی بر عهده قاضی تحقیق است «یعنی رعایت و تفهم حقوق به متهم».

ب- تأمین آزادی متهم

- از سال ۱۸۰۸ (کناین)، به تدریج از اختیارات و قدرت بازپرس کاسته شد.

- در ایران نخستین گام در این راه با پذیرش شکایت متهم از قرار بازداشت موقت برداشته شد.

- در قانون موقتی اصول و محاکمات جزایی ایران چنین حقی برای متهم نبود اما در اصلاحات ۱۳۱۱ امکان شکایت متهم در امور جنحه هر دو ماه پیکار و در امور جنایی هر چهار ماه پیکار فراهم شد.

- در سال ۱۳۵۲ مقام تحقیق، خود ناکزیراز کنترل و توجیه قرارهای بازداشت صادر شده گردید . با لازم الاجرا شدن قانون دادگاههای عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۳ و عدم احصاء قرار بازداشت موقت از زمرة قرارهای قابل شکایت در ماده ۱۹ قانون، استمرار برخورداری از این حق معطل مانده و در عمل این حق از متهمان سلب شد.

- دیوان کشور در سال ۱۳۷۸ حق مذکور را برای متهم شناخت و دادگاه اس تان را مرجع صالح رسیدگی به شکایت از قرار مذکور دانست.

- ماده ۳۳ ق.آ.د. دادگاههای عمومی و انقلاب رأی دیوان را تقینی کرد و قرار بازداشت موقت را ظرف مدت ده روز قابل تجدید نظر دانست.

- قانون اصلاح تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب نیز رأی مذکور را پذیرفت.

- تمدیع قرار بازداشت موقت بر عهده قاضی آزادیها و بازداشت است.

**مبث چهارم: حقوق مقایسه:**

- امروزه رسیدگی به جرایم در اکثر کشورها بصورت نظام مختلط یا اتهامی است و نظام تفتیشی مرده است.

**1- انگلیس و آمریکا:**

- الف- در آمریکا: مهمترین ویژگی نظام اتهامی یعنی ترافعی بودن رسیدگی همچنان رعایت می شود، در همه دادرسیهای کیفری بجز در موردی که یک کارمند عالی رتبه دولت مورد تعقیب است احراز امور موضوعی با هیئت منصفه است.
- ب- در انگلیس: رسیدگی کیفری در دادگاه کران «جنایی» با حضور هیئت منصفه صورت می گیرد.

**2- ایتالیا:**

- الف- اوایل بر نظام مختلط استوار بود.
- ب- از سال 1989 سعی شده با نظام اتهامی و کنوانسیونهای بین المللی انطباق داشته باشد.
- پ- به رقم اینکه ساختار آیین دادرسی کیفری جدید اتهامی است، دادستان به عنوان مرجع تعقیب ابقاء گردیده است.
- ت- در جرایم مشهود و نیز اقرار متهم، دادستان نیازی به ارجاع پرونده نزد قاضی تحقیقات ابتدائی ندارد و مکلف است حداقل ظرف 15 روز پرونده را برای رسیدگی به دادگاه احاله دهد.

ث- تحصیل واقعی دلیل، با رعایت تساوی بین اصحاب دعوا در دادگاه صورت می گیرد.

- ج- ولای اصحاب دعوا و دادستان می توانند مستقیماً از شخص مورد نظر سوال بپرسند.
- چ- در مرحله رسیدگی قاضی دادگاه نقش حکم را ایفا نمی کند.

ح- قانون جدید در مرز بین سنت و انقلاب قرار گرفته است.

**3- آیین دادرسی در کشورهای سوسیالیستی سابق:**

- الف- آیین دادرسی کیفری در چارچوب نظام مختلط تغییراتی کرده بود.
- ب- تفکیک قوه مجریه از قوه قضائیه کاملاً رعایت نمی شد.
- پ- دادستان بر دادگاهها هم نظارت داشت.
- ت- قضات دادگاهها اکثرآنتخابی و غیر حرفه ای بودند.
- ث- رسیدگی به جرایم کم اهمیت در کارگاهها و کارخانجات و کلخوزها بر عهده «دادگاههای رفقا» نهاده شده بود.
- ج- مرحله پژوهش یا استیناف از احکام دادگاههای بدوى وجود نداشت.
- چ- دادگاه عالی در مرحله رسیدگی تمیزی، صلاحیت رسیدگی به مسائل ماهوی و شکلی را دارا بود.

**4- جمهوری فدرال آلمان:**

- الف- رسیدگی به امور کیفری بر نظام مختلط استوار است.
- ب- چهار درجه از دادگاهها به نام دادگاههای بخش، ناحیه ای، عالی ناحیه ای و عالی فدرال وجود دارد.
- پ- به دلایل خاص تشکیلاتی، دادسراهای ناحیه ای عهده دار انجام داده وظایف دادگاههای بخش هستند.
- ت- نهادهای مشابه قاضی تحقیق فرانسوی وجود ندارد و دادستانها رأساً یا به کمک پلیس قضائی انجام دادن کلیه تحقیقات مقدماتی را برای کشف حقیقت بر عهده دارند.
- ث- حق بایگانی کردن پرونده برای دادستان پیش بینی شده است.

نک : ضرورت توجه به عکس العمل معق ول سنجیده و مفید جامعه در مقابل بزهکاران سبب شده است که در برخی کشورها که دارای نظام مختلط هستند به تبعیت از حقوق آنگلوسا کسون مسأله «تفطیع دادرسی» مورد توجه قانونگذاران قرار گیرد.

### مبحث پنجم: از تدوین اصول محاکمات جزایی تا انقلاب اسلامی:

#### 1- دادگستری در عصر قاجاریه

##### \* عوامل مخالفت با ایجاد عدالتخانه:

الف- خودکامگی و عدم تقید سلاطین به اعمال عدالت      ب- مخالفتهای حکام ولایت      پ- بیم انقراض سلطنت:

#### 2- گامهای نخست ایجاد عدالیه نوین:

الف- بنای دیوانخانه عدالیه از سوی امیرکبیر و اصلاح محاکم شرع... «سال 1266»

ب- تأسیس دیوان مظالم

پ- صدور دستور العمل امنای دیوانخانه های عدالیه که نخستین مقررات مدون دادرسی در ایران است.

ت- تصویب قانون عدالیه اعظم و تأسیس عدالتخانه های ایران «شاید کاملترین قانون قبل از مشروطیت باشد»

ث- صدور دستور العمل دیوانخانه عدالیه اعظم 1279 ناظر به تشکیلات آینین دادرسی

ج- انتشار کتابچه قانونی کنت که ناظر به قوانین جزایی ماهوی است.

چ- تأسیس صندوق عدالت

8- صدرو دستور العمل وزارت عدالیه اعظم به جمیع حکام ممالک محروسه

#### 3- چگونگی تدوین و اجرای قوانین موقتی اصول محاکمات جزایی:

دوره دوم قانونگذاری در دوران وزارت عدالیه مشیرالدوله تقديم مجلس شد. لایحه آن 488 ماده داشت و از مجموع

قوانین تحقیقات جنایی فرانسه اقتباس شد بود. خودقانون 506 ماده داشت و از سال 1318 بنابر واژی پیشنهادی

فرهنگستان ایران با نام آینین دادرسی کیفری تا سال 1373 چارچوب رسیدگی های کیفری را تشکیل داده است.

#### 4- تغییرات اساسی در قوانین دادرسی کیفری تا انقلاب اسلامی:

در سالهای 1311، 1335، 1337، 1339، 1341، 1352، 1356 مورد جرح و تعديل و اصلاحات قرار گرفت.

پس از انقلاب در راستای تدوین قوانینی بر مبنای موازین اسلامی علاوه بر مقررات کیفری ماهوی ، قوانین شکلی نیز به دفعات تغییراتی یافت.

با تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب انصراف از نظام مختلط فقط در مورد دادگاههای عمومی و انقلاب عملی شد نه در رابطه با دادگاههای روحانیت و نیروهای مسلح.

### مبحث ششم: انقلاب اسلامی و دگرگونیهای قوانین دادرسی کیفری:

- پس از انقلاب کبیر فرانسه نظام اتهامی جایگزین نظام تفتیشی شد.

- پس از انقلاب اسلامی ایران مسأله عدم تعارض که انطباق قوانین موضوعه با مقررات شرعی مطمح نظر قرار گرفت.

## 1- دگرگونیهای ناظر به مراجع عمومی رسیدگی:

الف- لایحه قانونی تشکیل دادگاههای عمومی 1358: خلاف، جنحه، جناحت

تغییرات:

نخست- ایجاد دادگاههای عمومی، در امور کیفری دادگاههای عمومی جایگزین دادگاههای جنحه و دیوان عالی جنایی شدند.

دوم- یک درجه ای شدن رسیدگی، رسیدگی یک درجه ای به امور جنحه در صلاحیت دادگاههای عمومی کیفری شهرستان و محکمات جنایی در صلاحیت دادگاههای عمومی کیفری مرکز استان قرار گرفت.

سوم- نظام تعدد قضی: دادگاههای حقوقی یا کیفری از سه تن قاضی مرکب از یک رئیس و دو مستشار و در موارد اعدام یا حبس ابد این تعداد یک نفر بود

چهارم- اعلام انحلال مراجع قضایی سابق: مثلاً وظایف دادسرای استان و دیو ان کیفر بر عهده دادسرای شهرستان «دادسرای عمومی» واگذار شد.

پنجم- صلاحیت دادگاه صلح: رسیدگی به کلیه دعاوی که در گذشته در صلاحیت دادگاههای بخش کیفری یا شورای داوری قرار داشت به دادگاه صلح واگذار شد

ششم- رسیدگی به جرایم اطفال: این صلاحیت از دادگاههای اطفال گرفته و مقرر شد دادگاههای جزایی به این امور رسیدگی کنند.

نک- دادگاههای عمومی به دادگاههای حقوقی و جزایی و صلح تقسیم می شد.

نک: رسیدگی در دادگاههای کیفری عمومی بر مبنای اصول و قواعد دادرسی در دادگاههای جنحه و دیوان عالی جنایی صورت می گیرد.

ب) قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری 1361 :

\* بر اساس اصلاحات جدید:

نخست- شعب دیوان کشور و محکم قبلی منحل گردید و دادگاههای کیفری 1 و 2 تشکیل گردید.

دوم- احکام دادگاهها جز در موارد استثنایی یک درجه ای و قطعی اعلام شد.

سوم- رئیس دادگستری هر شهرستان بر دادسراهای عمومی محل نیز نظارت و ریاست اداری یافت.

چهارم- نظام وحدت قضی به وجود آمد

پنجم- برای نخستین بار در حقوق موضوعه ایران مراجعه مستقیم شاکی به دادگاه در همه مسایل کیفری پذیرفته شد.

ششم- این حق برای دادگاه ایجاد شد که در صورت لزوم بدون محکمه و بازپرسی شروع به رسیدگی کنند.

هفتم- در نظر گرفته شدن مشاور برای دادگاههای کیفری 1 «اجباری» و برای دادگاههای کیفری 2 «اختیاری»

ج) لایحه اصلاح قوانین آیین دادرسی کیفری و اصلاحات و ملحقات آن 1363 :

از طریق حذف برخی کلمات یا عبارات یا حذف برخی مواد یا جایگزین کردن برخی عبارات، هم گامی در جهت انطباق آیین دادرسی با سایر قوانین برداشته شد و هم برخی معطلات علنی مرتفع گردید.

د) قانون تعیین موارد تجدید نظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آن 1367 :

قانون 1361، دادرسان را پس از فراغ از رسیدگی جز درمورد سهو قلم و امثال آن از هر گونه دخل و تصرف در احکام صادر شده منوع کرد. ودادستانها و دادیاران اجرای احکام مکلف شدند که در موارد قطع به اشتباه قانونی یا شرعاً قاضی مراتب را به وی تذکر دهند و در صورت عدم تنبه مراتب را به دادستان کل برسانند.

نکته: با توجه به اینکه مقررات فوق در عمل خریداری نداشت قانون 1367 تصویب شد که با تصویب آن محکوم علیه نیز در زمرة کسانی قرار گرفت که می‌تواند به احکام دادگاههای بدوى اعتراض کند و همچنین برای دادستان و دادیار تنظیم کننده کیفر خواست و دادیار مجری حکم حق در خواست تجدید نظر ملحوظ شد و همچنین برای دادستان کل و رئیس دیوان عالی کشور.

ه) قانون تشکیل دادگاههای کیفری 1 و 2 و شعب دیوان عالی کشور:

هدف از تصویب این قانون رفع نارساپیهای قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری 1361 بود.

\* نکات مهم این قانون:

نخست- طبق این قانون حضور مشاور چه در دادگاههای کیفری 1 و 2 در صورت لزوم و احتیاج با درخواست رئیس دادگستری بود.

دوم- در صلاحیت دادگاههای کیفری نیز تغییراتی داده شده.

سوم- در نقاطی که تشکیل دو شعبه حقوقی و کیفری ممکن نبود یک شعبه به کلیه دعاوی رسیدگی می‌کرد.

چهارم- دادگاههای کیفری مکلف شده بودند به دعواهی ضرر و زیان مدعی خصوصی نیز رسیدگی کنند.

پنجم- امکان مراجعه مستقیم شاکی به دادگاههای کیفری موردنأیده قرار گرفته بود.

ششم- دادگاههای کیفری 1 برخلاف گذشته مکلف به انشای نظریه و ارسال آن به دیوان عالی کشور قبل از صدور حکم نبودند.

و) قانون تجدید نظر آراء دادگاهها 1372:

نخست- مهمترین ابتکار این قانون پیش بینی مهلتهای معین برای ارانه درخواست تجدید نظر ب ود. برای سکنه ایران 20 روز و برای کسانی که خارج از کشور بودند 2 ماه.

دوم- همه احکام قابل تجدید نظر نبودند.

سوم- اشتباه قاضی نیز قابل تجدید نظر است.

چهارم- دادگاهها باید تجدید نظر بودن یا نبودن رأی خود را معین می‌کردند.

پنجم- اختیارات دادستان کل و رئیس دیوان عالی کشور به دادستان اختصاص یافت.

ز) قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب 1373: این قانون متشکل از دو قسمت است:

نخست- ماده 1 تا 15 ناظر به سازمان قضایی و تغییرات اساسی در اصول تشکیلات دادگستری است.

دوم- ماده 16 تا 38 آن به ویژه به موارد تجدید نظر آراء دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها اختصاص دارد.

\* ویژگی های این قانون:

نخست- دادگاههای کیفری 1 و 2 ملغی شد.

دوم- دادسرای عمومی و انقلاب حذف و کلیه اختیارات به رئیس دادگستری شهرستان و استان محول شد.

سوم- تعقیب و تحقیق و رسیدگی بر عهده مرجعی واحد یعنی دادگله عمومی نهاده شده است.

چهارم- صلاحیت دادگاه عمومی را رئیس قوه قضائیه مشخص می کرد.

پنجم- مهمترین ابتکار در این قانون احیای دادگاههای استان به منظور تجدید نظر در احکام دادگاههای عمومی است و تجدید نظر در احکام اعدام، رجم و ... در صلاحیت دیوان کشور است.

ششم- همانند قانون تجدید نظر آرای دادگاهها «1372» فقط 5 گروه از جرایم قابل تجدید نظر شناخته شده.

هفتم- تکلیف قرارها که در قوانین قبلی مشخص نبود روشن شد.

ح) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری:

نخست- این لایحه با دیدی سطحی به اساسی ترین مسائل آیین دادرسی کیفری نگریسته بود و 158 ماده داشت،

دوم- طی کشمکشهای مختلف به 308 ماده افزایش یافت و برای مدت سه سال آزمایشی اجرا شد و در نهایت در سال 1378 به تقویت رسید.

ط) قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب «1381»:

با تصویب این قانون مجدداً نظام مختلط «دادسر- دادگاه» مورد اقبال مقنن قرار گرفت، در جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه استان است تحقیقات مقدماتی با بازپرس است، در جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه استان نیست تحقیقات مقدماتی توسط دادستان و دادیار نیز تجویز شده است.

نکته: جرایمی که قانون اصلاحی 1381 رسیدگی به آنها را در صلاحیت دادگاههای استان فرار داده است، به این ترتیب ذکر می گردد: جرایم مشمول حد زنا، لواط، مطبوعاتی، سیاسی و کلیه اتهامات مقامات و مسئولان ارشد نظام است.

دادستان در آیین دادرسی سابق از زمرة ضابطلان دادگستری محسوب می گردید ولی در این اصلاحیه وی فقط ریاست و نظارت بر ضابطلان دادگستری را بر عهده دارد.

- از دیگر ویژگی های این قانون تصریح بر ضرورت حضور دادستان در جلسات رسیدگی کیفری است.

در حوزه قضایی بخش به علت فقدان دادسرا در جرایمی که در صلاحیت رسیدگی دادگاه استان نیست نیازی به صدور قرار مجرمیت و کیفر خواست نیست و مقام تحقیق و تعقیب در یکدیگر ادغام شده است.

- ایجاد شعب باصلاحیتهای جدید به نام شعب تشخیص در دیوان عالی کشور در اصلاحیه فوق است، امکان شکایت از همه احکام قطعی شده در شعب فوق ممکن است و تصمیم ات شعبه تشخیص قطعی و غیر قابل اعتراض است مگر آنکه رئیس قوه قضاییه آن تصمیم را خلاف شرع تشخیص دهد.

**2: دگرگونیهای ناظر به مراجع اختصاصی:**

الف) آیین نامه دادگاهها و دادسراهای انقلاب 1358:

در آیین نامه فوق تعقیب متهمان ضد انقلاب بر عهده دادسرا، تحقیق بر عهده دادیار یا بازپرس و رسیدگی بر عهده دادگاه نهاده شده بود. تعداد قضايان دادگاه، یک قاضي شرع، یک قاضي دادگستری و یک نفر مورد اعتماد مردم.

- احکام دادگاه انقلاب قطعی و بدون تجدید نظر است و رسیدگی یک درجه ای است . برای متهم حق انتخاب وکیل مدافع شناخته شده بود.

ب) از قانون دادرسی و کیفر ارتش تا قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح «1318»:

- اداره دادرسی ارتش از قوه قضائیه مستقل و وابسته به ستاد ارتش بود «1318»

در سال 1358 دادستان ارتش از لحاظ اعمال و وظایف تحت نظرت دادستان کل قرار گرفت.

در سال 1364 سازمان قضایی نیروهای مسلح از ادغام سازمان قضایی ارتش و دادسرها و دادگاههای انقلاب اسلامی ارتش و ... به وجود آمد

- در سال 1382 با تصویب قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح نیز نظام دادسر- دادگاه در رسیدگی به جرائم افراد نیروهای مسلح به حیات خود ادامه داد.

ج) آیین نامه تشکیل دادسرا و دادگاههای ویژه روحانیت «1369» :  
در بیش از ده نقطه کشور وجود دارد-

رسیدگی به اتهامات شرکا، معاونان و مرتبطان متهم روحانی در صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت است.

ماده 13 آیین نامه «کلیه جرایم عمومی روحانیون، کلیه اعمال خلاف شان روحانیون، کلیه اختلافات محلی مخل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد در دادگاه روحانیت رسیدگی می شود.»

## بخش دوم – دعاوی ناشی از جرم

### فصل اول : دعوای عمومی

#### مبث اول: کلیات

تعاریف: همگام با تحول جوامع و تشکیل دولت و ... تعقیب بزهکاران بر عهده دولت بود.

همگام با چنین تحولی در حقوق روم قاعده اعلام جرم عمومی پدیدار شد.

در حقوق اسلام نیز جرایم حق الهی لزوماً موقول به شکایت کسی نیست.

تعريف دعوای عمومی: دعوایی که دادسرا یا نهاد مشابه آن به نمایندگی از سوی جامعه علیه متهم طرح و تعقیب می کند.

1- اعلام جرم عمومی در قوانین موضوعه ایران: «1373» :

با تدوین قانون موقتی اصل محاکمات جزایی ، قاعده اعلام جرم عمومی درکشور ما پذیرفته شد و تعقیب جرایم بر عهده دادسرا که آنرا اداره مدعی العمومی تعبیر می شد واگذار گردید.

پس از حذف دادستان از نظام دادرسی کیفری ، امور حسابی و کلیه اختیار ات او به رئیس دادگستری شهرستان و استان محول شد.

2- حیثیتهای چند گانه جرایم:

الف- حیثیت عمومی: از جهتی که مخل نظم و حقوق عمومی است

ب- حیثیت خصوصی: از آن جهت که راجع به تضرر شخص یا اشخاص معینی است (در آیین دادرسی کیفری سابق)

- لایحه آیین دادرسی کیفری سال 1363 :

نخست- حیثیت الهی و عمومی از جهتی که تعدی به حدود الهی و مخل نظم عمومی است.

دوم - حیثیت خصوصی: تضرر شخص یا اشخاص معون.

نکته: حیثیت جرایم در آیین نامه تشکیل دادسرا و دادگاههای ویژه روحانیت به سه قسم حق الهی، عمومی، خصوصی میباشد.

نکته- کلیه جرایم دارای جنبه حق الهی است

# **VARAMIN-TPNU-AC.VCP.IR**

## دانشگاه پیام نور مرکز ورامین - رشته حقوق

Varamin\_news@live.com

نکته- دعوایی که متضرر از جرم یا قائم مقام قانونی او به تبع دعوی عمومی در همان دادگاهی که عهده جنبه عمومی جرم است، مطرح می کند به دعوی خصوصی مرسوم است.

### مبحث دوم: اقامه و تعقیب دعوای عمومی

#### 1- تاریخچه و نقش دادسرا :

الف- دادسرا نهادی فرانسوی است وریشه قرون وسطایی دارد.

ب- بعد از انقلاب مشروطه وارد سازمان قضایی ایران شد

ج- دادسرا یک نهاد قضایی است بدون آنکه حق دادرسی داشته باشد و وظیفه اصلی اش آماده سازی کیفر خواست عمومی و تسهیل رسیدگی دادگاه است.

نکته: برخلاف اکثر کشورهای اورپایی که در آنها دادسرا در معیت دادگاهها انجام وظیفه می کند در انگلستان به دلایل تاریخی دادسرا وابسته به محاکم نیست بلکه با پلیس مرتبط است.

#### 2- سرنوشت دادسرا در قوانین موضوعه ایران

الف- از انقلاب مشروطه تا قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب 1373: بعد از انقلاب مشروطه دادسرا از مهمترین نهادهای کیفری محسوب شد. بعد از انقلاب اسلامی اصطلاح دادستان و دادسرا ی بدایت و دادسرا شهرستان به دادستان عمومی و دادسرا ای عمومی تغییر نام یافت و تا سال 73 به حیات خود ادامه داد.

ب- قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و حذف دادسرا از مراجع عمومی و رسیدگی : وظایف دادستان به روای محکم و رئیس حوزه قضایی مربوط واگذار گردید.

ج- اعاده دادسرا 1381:

3- قاعده قانونی بودن تعقیب :

الف- ابتدا در حقوق آلمان شناخته شد

ب- دادستان کل یا وزیر دادگستری می توانند تعقیب متهمی را زدادستان عمومی تقاضا کنند، اما مجاز نیستند اقدامات تعقیبی را به جانشینی مدعی العموم مربوط که صلاحیت محلی تعقیب جرایم را دارد، انجام دهند

4- قاعده موقعیت داشتن «مقتضی بودن» تعقیب:

الف- اعمال دقیق قاعده اجباری بودن تعقیب همواره فایده اجتماعی ندارد.

ب- در قرن بیستم مورد توجه حقوقدانان و غیره قرار گرفت.

ج- ترس از تعقیب و محکومیت برای اشخاصی که نخستین بار مرتکب جرم شدند می تو اند عاملی مؤثر در پیشگیری از تکرار جرم باشد.

د- امروزه در اغلب کشورهای جهان هیچ یک از دو قاعده اجباری بودن یا موقعیت داشتن تعقیب به تنها و به طور مطلق مورد پذیرش نیست.

نکته: در فرانسه اصل اجباری بودن تعقیب تا حد زیادی در عمل ملاک اقدامات دادسرا قرار گرفته است.

- تعلیق در کشورها:

آلمن و قاعده موقعیت داشتن تعقیب: در جرایم کم اهمیت دادستان می تواند پرونده را بایگانی کند و هیچ گونه شرطی بر متهم تحمل نمی شود، در تعقیق دادستان باید با در نظر گرفتن یک یا چند شرط و آنهم فقط در جرایم جنحه ای و جلب موافقت دادگاه صالح می تواند تعقیب متهم را به طور موقت معق بدارد.

- شرایط تعقیق تعقیب:

نخست- متهم برای جبران خسارت تعهدی را عهده دار شود «مهلت ۶ شش ماه»

دوم- متهم مبلغی به نفع یک مؤسسه عام المنفعه پرداخت کند «مهلت شش ماه»

سوم- متهم تعهدی به نفع جامعه بر عهده گیرد «مهلت شش ماه»

چهارم- متهم نفقة افراد واجب النفقة را بپردازد «مهلت یک ساله».

- در ایران- تا اصلاحات سال ۵۲ آشنایی با قاعده موقعیت داشتن تعقیب فقط تئوری بود.

- در سال ۵۲ تعقیق تعقیب تحت شرایطی پذیرفته شد:

۱- جنحه بودن اتهام ۲- اقرار متهم به ارتکاب بزه ۳- فقد سابقه کیفری مؤثر ۶۱ روز حبس به بالا ۴- فقد شاکی خصوصی و اعلام گذشت وی

نکته- با احراز شرایط بالا دادستان می توانست قرار تعقیق متهم را صادر کند و پرونده را برای تأیید به دادگاه جنحه ارسال دارد.

در سال ۵۶ قانونگذار به دادستانها اعتماد بیشتری نموده و مقرر داشت دادستان نیازی به ارسال پرونده به دادگاه ندارد. قرار تعقیق باید در اداره سجل کیفری در دفاتر مخصوص ثبت شود و در صورتی که متهم ظرف ۳ سال مرتكب جرم نشود، تعقیب برای همیشه موقوف می شود.

در عمل دادسراها توجه چندانی به موقعیت داشتن تعقیب نمی کوئند و در عمل در مواردی مثل رانندگی بدون گواهینامه یا فرار از خدمت نظام و ... اقدام به صدور قرار تعقیق می کردند.

- در قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب قاعده موقعیت داشتن تعقیب در تعزیرات کاربرد بیشتری داشت.

**مبحث سوم: ویژگیهای نهاد تعقیب «دادسرا» :**

۱- سلسله مراتب

الف- موقعیت دادیاران و قضات تشخیص: با تصویب لایحه تشکیل دادگاههای عمومی در سال ۵۸ دادسرای استان و دیوان کیفر کارکنان دولت از سازمان قضایی کیفری حذف شد و فقط دادسرای شهرستان و دادسرای دیوانعالی کشور باقی ماند در سال ۵۹ شورای عالی قضایی سمت ریاست بر کلیه دادسراها را به دست آورد

- در سال ۶۸ سمت فوق به رئیس قوه قضائیه واگذار شد

با حذف دادستان در سال ۷۳ قاضی تحقیق به وجود آمد که دارای اختیارات قضایی مستقلی نبود

- قضات تحقیق باید دستورات قضات دادگاهها روسای حوزه قضایی و معاونان را الجرا کند

- در سال 78 تا حدودی اختیارات قضات تحقیق افزایش یافت مثل:  
نخست- اختیار صدور قرار بازداشت

دوم- قرارهای تأمینی و تبدیل مأخذ، مشروط بر تأیید دادگاه.

**ب- بازپرسان و سلسله مراتب:**

- دادسرا در معنای محدود: دادستان و دادیاران

- دادسرا در معنای وسیع: دادستان، دادیاران، بازپرسان

نک- در فرانسه و بلژیک تحت عنوان قاضی تحقیق از دادستان ها مستقل هستند و ارجاع پرونده به بازپرس توسط رئیس دادگاه جنحه و نه دادستان صورت می پذیرد.

نک- در فرانسه در صورت بروز اختلاف بین بازپرس و دادستان حل اختلاف بر عهده شعبه تحقیق که جانشین شعبه تشخیص اتهام شده است قرار دارد.

نک- در فرانسه بازپرسان از بین قضات نشسته و برای مدت سه سال انتخاب می شوند.

در ایران: طبق قانون آیین دادرسی 1290 شاید بتوان گفت سلسله مراتب منحصرآ مواردی را که بازپرس به عنوان ضابط دادگستری عمل می کرد در بر می گرفت نه در مواردی که به عنوان قاضی تحقیق بود.

- در قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی 1381 و قانون آیین دارسی 1378 بازپرس نیزمانند دادستان ضابط دادگستری تلقی گردیده است.

- سلسله مراتب در مراجع عمومی: رئیس قوه قضائیه، رئیس دادگستری عمومی، رئیس حوزه قضائیه و ضابطان و...

**2- استقلال نهاد تعقیب :**

**الف- استقلال نسبت به بازپرسان و قضات تحقیق :** دادستانها در تعقیب و ارجاع پرونده به بازپرسان از استقلال کافی برخوردارند. در قانون دادگاههای عمومی و انقلاب قضی دادگاه قسمت نقش قضی تحقیق و سپس نقش قضی بیطرف رسیدگی کننده را ایفا می کند.

از سال 81، دادستان استقلال خود را در امر تعقیب نسبت به بازپرس محفوظ داشته است. ارجاع شکایات درخواستها و گزارشها ضابطان به شب بازپرسی و دادیاری با دادستان است.

**ب- استقلال نسبت به دادگاهها:** قضات دادگاهها حق مداخله در وظایف دادسرا را ندارند.

**ج- استقلال نسبت به شاکی:**

نخست- در مواردی که نهاد دادسرا موضوع شکایت را کیفری تشخیص ندهد می تواند علی رغم میل شاکی از دست تعقیب امتناع وزرد.

دوم- امتناع شاکی از اعلام شکایت جز در جرایم قابل گذشت تأثیری بر تعقیب دادسرا ندارد.

سوم- در صورت صدور کیفر خواست دادسرا می تواند از آن صرف نظر کند.

**د- استقلال نسبت به متهم :** در اخذ تأمین متناسب و نیز تشخیص مقتضی بودن تعقیب رئیس حوزه قضائی و دادستان استقلال دارند.

- 3- وحدت نهاد تعقیب : از تاریخ اجرای قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب سال 81 قضائی که در حوزه قضائی یک دادسرا انجام وظیفه می نمایند در حکم واحدند . در هر حوزه قضائی بیش از یک دادسرا که همان دادسرای عمومی و انقلاب است وجود ندارد.
- از سال 81 به بعد دادسرای انقلاب مستقل از دادسرای عمومی نیست.
- 4- قضات دادسرا: قضات دادگاهها و نیز قضات تحقیق در صورت وجود قرابت تا درجه معن بین آنان و اصحاب دعوی از سوی ذی نفع قابل رد شناخته شده اند.

## **VARAMIN-TPNU-AC.VCP.IR**

### **دانشگاه پیام نور مرکز ورامین - رشته حقوق**

Varamin\_news@live.com

- دادستانها در حقوق فرانسه با این استدلال که آنان طرف اصلی دعوی کیفری تلقی می شوند غیر قابل رد تلقی می شوند .
- در حقوق ایران از همان تاریخ تصویب قانون اصول محکمات جزایی دادستان قابل رد شناخته شده است.
- با تصویب قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب 1381 موارد رد ، قابل تسری به بازپرسان و دادیاران است.
- 5- عدم مسئولیت دادسرا: در صورت صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب از سوی دادسرا این نهاد نسبت به پرداخت هزینه دادرسی مسئول تلقی نمی شود

- در انگلیس اصولاً مسئولیت دولت پذیرفته نیست و قضات در صورت تجاوز از حدود اختیارات قانونی و رأساً مسئول جبران خسارتند.

برای اولین بار در سال 1895 دولت فرانسه مسئولیت جبران خسارت کسانی را که بیگناهی آنان بر اثر اعاده دادرسی مبرهن می گردید پذیرا شد.

الف- مفهوم بازداشت غیر موجه : قانونگذار جبران خسارت را از مسئله تقصیر یا اشتباه قضات دادسرا یا دادگاه تفکیک کرده و غیر موجه بودن بازداشت متهم را برای پذیرش تقاضای جبران خسارت از سوی او کافی دانسته اند.

در برخی کشورها مانند جمهوری فدرال آلمان تصمیم به جبران خسارت می تواند شامل حال افرادی که بطور غیر موجه از سوی دادسرا و پلیس نیز شده اند نیز بشود.

در ژاپن علاوه بر جبران خسارت مادی و معنوی درج حکم در روزنامه رسمی و سه روزنامه دیگر به انتخاب ذی نفع در قانون پیش بینی شده است.

ب- مقام صلاح برای تعیین خسارت : در سوئد پادشاه است، در اتریش وزیر دادگستری، در فرانسه کمیسیونی مرکب از سه تن از قضات دیوان کشور است، در ایران دولت فقط در صورت اشتباه، عهده دار خسارت قاضی است.

مبحث چهارم : شکایات، اعلامات و گزارش‌های ضابطان

**1- متداولترین شیوه های کسب اطلاع و اقدام نهاد تعقیب :** 1- شکایت شاکی 2- اعلام جرم 3- گزارش ضابطان دادگستری

الف- شکوانیه همان «عرض حال» است در قانون جدید.

- مواردی که دادستان تکلیفی به انجام تحقیقات ندارد:

نخست- در جرایم قابل گذشت دوم- در مواردی که شاکی پس از شکایت گذشت نماید.

ب- عرض حال شفاهی: نخست- در ایران کتبی و شفاهی است دوم- در فرانسه حتماً باید کتبی باشد.

ج- حقوق شاکی در مرحله تحقیقات مقدماتی:

نخست- این تحقیقات در کشور ما به صورت، تفتیشی «غیر علنی، غیر ترافعی و کتبی» است

دوم- تأمین خواسته شاکی در تحقیقات کیفری

سوم- شاکی باید خود در طرح شکایت ذی نفع باشد.

د- مجنی علیه محgor و طرح شکایت کیفری:

نخست- طرح شکایت کیفری نیازمند اهلیت مدنی است

دوم- اگر متضرر از جرم صغیر و ... باشد طرح شکایت باید از سوی ولی یا قیم آنان باشد.

- اگر محgor ولی یا قیم نداشته باشد : دادگاه می تواند شخص دیگری را تعیین نماید و هرگونه اقدام ضروری جهت جلوگیری از امحاء آثار جرم یا فرار متهم و سرانجام تعقیب امر جزائی را رأساً انجام دهد.

**2- اعلامات :**

الف- فرق بین شکایت و اعلام جرم- در شکایت شاکی دو هدف دارد:

نخست- تعقیب و به کیفر رساندن متشکی عنه

دوم- جبران خسارت وارد برخود

ب- اعلام کننده جرم :

نخست- فاقد نفع خصوصی در تعقیب جرم است

دوم- اعلام جرم اقدامی اخلاقی، مذهبی اجتماعی است.

در حقوق ایران اعلامات همانند شکایات می توانند شفاهی باشند.

- مواردی در رابطه با اعلام جرم:

نخست- ممکن است اعلامات از سوی افراد نابهنجار به عمل آید

دوم- اعلام جرم ممکن است ناشی از سوء نیت باشد که برای آن مجازات تعیین شده است

سوم- در حکومتها دیکتاتوری تکلیف به اعلام جرم یک وظیفه ملی است..

**3: گزارش ضابطان دادگستری :**

الف- ضابطه عام :

نخست- مدعی العموم ابتدایی و معاونان او «دادیاران»

دوم- مستنطق (بازپرس)

سوم- کمیسرهای پلیس «کلانتران» و قائم مقام آنها

چهارم- صاحبان مناصب «افسان» و رؤسای بریگاد «تیپ» ژندارم

- حقوق ایران احصای قضات دادسرا در زمرة ضابطان دادگستری به پیروی از مقررات قانون تحقیقات جنایی قدیم فرانسه صورت گرفته بود.

- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در رأس ضابطان دادگستری است.

- مجازات ضابطان مختلف از دستورات مقام قضایی : در آیین دادرسی کیفری سابق انفال موقت از ۱ ماه تا ۶ ماه، در آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب از ۳ ماه تا یک سال وزندان برای مختلف از یک تا ۶ ماه.

- ریاست و نظارت بر ضابطان قبل از عهده دادستان عمومی بود با تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و آیین دادرسی آن با رئیس حوزه قضایی مربوط است.

ب- ضابطان خاص : نخست- مأموران جنگلبانی دوم- مأموران شهرداری و ... بسیج نیز در زمرة ضابطان دادگستری هستند

ج - ضابطان نظامی : در رابطه با جرایم ارتکابی از سوی پرسنل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است.

- بند ۴ ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی عمومی و انقلاب سایر نیروهای مسلح را در مواردی که شورای امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آنان محول کرده باشد در ردیف ضابطان دادگستری محسوب کرده است.

- رسیدگی به جرایم پرسنل وزارت اطلاعات در سازمان قضایی نیروهای مسلح مورد رسیدگی قرار می گیرد.

#### 4: اقدامات ضابطان دادگستری و اهمیت آن :

در اغلب موارد زیر بنای پرونده کیفری را اقدامات اولیه ضابطان به ویژه نیروی انتظامی تشکیل می دهد.

##### الف- در مصاديق جرم مشهود :

نخست- در صورتی که جرم در مرئی و نظر ضابطان واقع شده باشد.

دوم- در صورتی که دو نفر یا بیشتر ناظر وقوع جرم باشند.

سوم- وقتی متهم ولگرد باشد و...

##### ب- وظایف و اختیارات ضابطان: در جرایم غیر مشهود :

نخست- ضابطان حق دستگیری یا ورود به منزل اشخاص را ندارند.

دوم- حتی هنگام تکمیل تحقیقات مورد نظر مقام قضایی، ضابطان حق بازداشت متهم را ندارند.

- در جرایم مشهود : ضابطان اختیارات بیشتری دارند . و با ورود مقام قضایی به صحنه جرم ضابطان دیگر حق مداخله ندارند.

سوم- ضابطان مجازند حداقل تا 24 ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند.

چهارم- ضابطان حق صدور قرار تأمین را همچون جرایم غیر مشهود ندارند.

- ارزش اثباتی گزارش ضابطان : نخست- در قانون آ.د.ک سابق گزارش ضابطان تا خلاف آن معتبر بود . دوم- در اصلاح قانون فوق سال 1361 گزارش ضابطان وقتی معتبر بود که تعداد آنان دست کم دو نفر بوده و خلاف علم قاضی نیز نباشد .

چهارم- در قانون جدید گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که موثق و مورد اعتماد قاضی باشد.

**ج- ضابطان دادگستری و حق دفاع متهم:** در حقوق ایران، اقدامات نیروهای انتظامی و سایر ضابطان باید موافق ترتیباتی باشد که برای تحقیقات مقدماتی معین شده است. متهم حق دارد در مرحله بازجویی سکوت کند. اقرار با اجبار موجب حبس از 6 ماه تا سه سال است. حدود اختیارات وکیل مدافع همان است که در تحقیقات مقدماتی برای وی منظور شده است.

- در آمریکا: اعلام داشتن حق سکوت و حق داشتن وکیل مجاز شناخته شده است.

در انگلیس: قبل از تصویب قانون پلیس و ادله کیفری در سال 1984 شخص تحت نظر پلیس امکان داشتن وکیل را نداشت از سال 1984 حق مظنون در استفاده از معاشرت وکل مدافع پذیرفته شد.

در فرانسه: تا سالهای اخیر تصمیمات ناظر به حق دفاع متهم برخلاف حقوق آنگلوساکسون فقط در مرحله بازپرسی ونه تحقیقات پلیس منظور شده بود.

- پلیس قضایی تکلیفی برای اعلام داشتن حق سکوت و یا حق داشتن وکیل به متهم را نداشت. پس از 20 ساعت متهم حق دارد با وکیل مدافع ملاقات کند تا 36 ساعت و در مواردی تا 72 ساعت افزایش یافته.

**د- ضابطان دادگستری و آزادی متهم :** ضابطان دادگستری در جرایم مشهود می توانند د متهم را برای بازجویی های نخستین تحت نظر قرار دهند. در حقوق ایران این حق 24 ساعت است. در حقوق ایران اگر بیش تراز این مدت نگهداری کنند به یک تا سه سال حبس محکوم می شوند.

#### ه- فرق جلب با توقیف:

نخست- جلب و دستگیری در مرحله تحقیقات مقدماتی اقدامی است که ب ه موجب آن مظنون به طور مؤقت و برای تحقیق در اختیار ضابطان وسیله مقام قضایی قرار می گیرد.

دوم- قبل از صدور دستور جلب، متهم ابتدا باید احضار شود و در صورت عدم حضور و عدم اثبات اعتذار موجه، مقام قضایی دستور جلب اورا صادر کند.

سوم- توقیف متهم همان همان بازداشت مؤقت است.

چهارم- برخلاف جلب، توقیف برای مدتی طولانی به عمل می آید.

پنجم- توقیف متهم متعاقب حضور او نزد مقام قضایی یا جلب او صورت می پذیرد.

ششم- قرار بازداشت باید به متهم ابلاغ گردد.

ن- **کنترل هویت:** در قانون ایران مقررات ویژه ای در برابره کنترل هویت منظور نشده است.

- در آلمان این حق برای پلیس است که برای کنترل هویت حتی در غیر از مواردی که شخص در مصان اتهام قرار دارد و به عنوان یک اقدام اداری بتواند حداقل تا 12 ساعت شهروندان را تحت نظر قرار دهد.

در فرانسه انگشت نگاری و عکسبرداری از کسی که می خواهد کنت رل هویتش کنند مشروط بر آن است که این امر تنها وسیله اثبات بعدی هویت او تلقی شود البته با اجازه دادستان یا قاضی تحقیق.

- حداقل مدت سلب آزادی برای کنترل هویت 4 ساعت است.

- امتناع از اثبات هویت دارای مجازات خلافی است.

- مقابله با تقاضای انگشت یا عکسبرداری جرم جنحه ای تلقی می شود و ده روز تا سه ما حبس.

#### مبحث پنجم: موانع تعقیب دعوای عمومی:

- موانع موقتی تعقیب دعوای عمومی :

**الف- ضرورت شکایت شاک****ب - مصونیت پارلمانی**

ج - قرار اناطه : پس از حصول شرایط امکان تعقیب فراهم می آید.

- عوامل رافع مسئولیت کیفری تابع اصل شخصی بودن و عوامل موجهه جرم تابع اصل فردی بودن ، و در آن هم ه شرکا و معاونین معاف می شوند.

**- موارد سقوط دعوای عمومی**

الف- مواردی که منجر به سقوط دعوای خصوصی نیز می شود مثل امر مختوم کیفری

ب- مواردی که منجر به سقوط دعوای خصوصی نمی شود مثل فوت متهم یا عفو عمومی.

**1- ضرورت شکایت شاکی:**

**الف- سابقه تاریخی :** پس از پایان دوره انتقام خصوصی در اغلب نقاط دنیا اصل بر غیر قابل گذشت بودن جرایم بوده است.

نخست- در قانون حمورابی همه جرایم غیر قابل گذشت بود، به جز زنای محضنه با گذشت شوهر

دوم-- در دوره هخامنشیان و ساسانیان همه جرایم غیر قابل گذشت بودند

سوم- در دوره اشکانیان جرایم علیه تمامیت جسمانی که در درون خانواده حل و فصل می شد قابل گذشت بود و بقیه غیر قابل گذشت بود.

چهارم- در یاسای چنگیزی فقط جرایم علیه اشخاص قابل گذشت بود

**ب- جرایم قابل گذشت در قانون مجازات عمومی:**

نخست- جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی و تکالیف خانوادگی

دوم- جرایم علیه اموال و مالکیت بجز جرایم سرفت، خیانت درامانت و کلاهبرداری

سوم- جرایم علیه تمامیت جسمانی و معنوی اشخاص مشروط بر اینکه مرتکب همسر و یا از اقربای نسبی تا درجه سوم یا سببی تا درجه دوم شاکی خصوصی باشد. بر عکس جرایمی مثل ایراد جرح با چاقو، قطع یا از کار افتادگی، مرض دائم، فقدان یکی از حواس و زوال عقل قتل عمد و غیر عمد غیر قابل گذشت بود.

**ج- آثار مترتب بر تفکیک حق الله از حق الناس:**

نخست- آثار مترتب بر تفکیک حق الله از حق الناس:

اولا- رسیدگی غیابی در حق الناس و عدم تجویز آن در حق الله

ثانیا- قابلیت عفو و اسقاط در حق الله

ثالثا- عمل به علم در حدود الله بر عکس حق الناس

رابعا- عدم صدور حکم بجز به بینه و اقرار در حق الناس

خامسا- شهادت بر شهادت در حقوق الناس قابل قبول است.

دوم- ضابطه تشخیص حق الله از حق الناس: از نظر دیوان عالی کشور

**د- سیاست جنایی حاکم بر جرائم قابل گذشت پس از انقلاب اسلامی:**

- در رژیم گذشته تا حد زیادی بر پایه مفهوم حق الناس در فقه پایه گذاری شده بود.

نخست-- جرایم علیه عفت عمومی و تکالیف خانوادگی: همه غیر قابل گذشت بجز نفقه  
دوم-- جرایم علیه تمامیت جسمانی و معنوی اشخاص: در این مورد قانونگذار بر گسترش موارد جرائم قابل گذشت بود،  
اولا- نه فقط ضرب و جرح ورشکستگی استخوان بلکه قتل اعم از عمدی و غیر عمدی نیز قابل گذشت اعلام شد.  
ثانیا- مجازات قصاص یا دیه قتل عمد قابل گذشت و مجازات تعزیری آن غیر قابل گذشت اعلام شد.  
ثالثا- جرایم علیه تمامیت معنوی نیز غیر قابل گذشت اعلام شد.

#### سوم- جرایم علیه اموال و مالکیت:

اولا- جرم صدور چک بلا محل همچنان قابل گذشت و مرور زمان شش ماه دارد  
ثانیا- جرم سرقت حدی قابل گذشت است، جرم سرقت تعزیری اگر فهمیده شود که دوباره تکرار می شود باید تعزیر شود  
ثالثا- جرم کلاهبرداری غیر قابل گذشت همچنین خیانت در امانت

#### 2- مصونیت پارلمانی:

الف- ظاهراً توسط خطیب و انقلابی معروف فرانسوی میرابو تأسیس شده است:  
نخست- مصونیت ماهوی در فرانسه : یعنی عدم مسئولیت به لحاظ شغل نمایندگی  
دوم- اصل تعرض ناپذیری: در مورد عدم امکان تعقیب فوری نمایندگان به دلیل جرایم انتسابی.  
- این قسم از مصونیت در جرایم مشهود کاربرد ندارد.  
- نظر به عدم جرمی مرور زمان تعقیب نماینده پس از پایان نمایندگی طبق ضوابط قانونی بلاشکال است.

#### سوم- مصونیت نمایندگان در ایران:

قبل از انقلاب: مصونیت ماهوی و اصل عدم تعرض پذیرفته شده بود  
بعد از انقلاب : فقط مصونیت ماهوی پذیرفته شده و فرق بین جرم مشهود و غیر مشهود نمی کند.

#### 3: مصونیتهاي سیاسی:

الف- عدم امکان تعقیب و م جازات مأموران سیاسی در صورت ارتکاب جرم استثنایی بر اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری است  
ب- مصونیت جزایی مأموران سیاسی نخستین بار در کنوانسیون پان آمریکن و سپس در کنوانسیون وین با گستره بیشتری تأیید شد.

MSCONNIEIT MAMORAN KNSOLI : این مصونیت جرایم مشهود را در بر نمی گیرد . امکان بازداشت مأموران کنسولی در جرایم مهم وجود دارد. در صورت محکومیت امکان اعمال مجازات درباره آنها در کشور پذیرنده وجود دارد.

#### 4: مصونیتهاي تشریفاتی:

قبل از انقلاب مصونیت قضات، نظامیان، نمایندگان مجالس، نخست وزیر و وزراء از مصادیق مصونیت های تشریفاتی می شد و در اینگونه موارد تعقیب متهم موكول به رعایت ضوابط و اقداماتی خاص بود . پس از انقلاب مصونیتهاي تشریفاتی فقط در رابطه با قضات وکلای دادگستری و نظامیان سخن گفته شد.

#### الف- مصونیتهاي قضات دادگستری: کیفری:

نخست-- مصونیت قضات دادگستری قابل دسترسی به امور خلافی و حقوقی نیست.

دوم- به جرایم دارندگان پایه های قضایی در دادسرا و دادگاههای جزایی تهران رسیدگی می شود.

سوم- در مورد روحانیانی که به امر قضا اشتغال دارند رعایت تشریفات مربوط به سلب مصونیت الزامی است.

- شغلی: اگر علت پذیرش مصونیت کیفری رعایت شان قضات و استقلال آنان است همین ملاحظات ایجاب می کند که هیچ دادرسی رانتوان جز در مواردر که قانون تعیین کرده از شغل خود منفصل کرد.

ب- مصطفی وکلای دادگستری: توهین به وکیل در حین انجام وظیفه مستوجب مجازات حبس تأدیبی از 15 روز تا سه ماه دانسته شده است، در صورتی که وکیل مدافع در دادگاه در مظان اتهام قرار گیرد برای جلوگیری از هر گونه سوء استفاده احتمالی کسب مجوز از کانون وکلا الزام است.

ج- تعقیب اعضای نیروهای مسلح : تا درجه سرهنگی از سوی فرمانده مربوط، امر تعقیب دیگر ضروری نیست فرماندهانی که در رده تیپ مستقبل و بالاتر هستند احضار آنان باید از طریق دفتر ویژه سازمان قضایی انجام شود.

## 5- اناطه :

**الف-** در قانون آیین دادرسی کیفری قرار اناطه درموردی است که رسیدگی به امری خارج از صلاحیت دادگاه است باید صادر گردد

ب- در قانون آ.د. جدید علاوه بر مورد فوق درموردی نیز باید صادر شود که دادگاه رسیدگی کننده به امور کیفری بدوآ ناگزیر از اظهار نظر و اتخاذ تصمیم پیرامون مسائل دیگری است که در صلاحیت همان دادگاه قرار دارد.

- **تعريف اناطه:** هرگاه تعقیب دعوی کیفری یا رسیدگی دادگاه جزایی موکول به حل مسائلی باشد که اتخاذ تصمیم و اظهار نظر قطعی نسبت به آنها خارج از صلاحیت نهاد تعقیب و یا دادگاه کیفری است. مراجع اخیر الذکر باید رسیدگی را به اصرار قرار اناطه متوقف و ادامه آن را موکول به اظهار نظر قطعی مرجع صالح کنند.  
نخست- موارد بارز اناطه:

**مالکیت:** حقوق دانان استعمال کلمه حق مالکیت در ماده 17 را منصرف به اموال غیر منقول دانسته است

- درموردی که مالکیت اموال منقول مؤثر در دعوای سرنوشت کیفری باشد مرجع کیفری خود مکلف به رسیدگی بوده باید از اصرار قرار اناطه امتناع نماید.

- در مورد اموال غیر منقول صدور قرار اناطه آنگاه جایز است که متهم علاوه بر نفی مالکیت شاکی خود بدون اینکه سند رسمی در دست داشته باشد مدعی مالکیت شود. در موردی که شخصی به اتهام ثبت ملک دیگری به نام خد تحت تعقیب است صدرو قرار اناطه جایز نیست.

✓ **افلاس:** در سال 1310 مفلس به کسی گفته می شد که دارایی او برای پوداخت مخارج عدليه کافی نبود- قانون 1313 اعسار را جایگزین مفلس کرد.

- **ورشکستگی :**

نخست- عادی: قرار اناطه صادر نمی شود.

دوم- به تصریف: برخی به صراحت آن را از مصادیق اناطه دانسته از جمله دکتر هدایتی

- برخی آن را از مصادیق اناطه ندانسته اند از جمله دکتر علی آبادی، دیوان کشور نیز این نظر را قبول دارد و همچنین فرانسه.

- سایر موارد:

نخست- دعاوی مربوط به اصل نکاح: درمورد دعوی ترک اتفاق طرح شده از سوی زوجه چنانچه شوهر مسلمان نباشد مورد از موارد اناطه نیست.

دوم- دعاوی ناظر به اصل طلاق و نکاح

سوم- اقدامات مؤثر بر صدور قرار اناطه: مهلت رجوع به دادگاه صالح در قانون قبلی سه ماه و در قانون جدید یک ماه است.

- در فرانسه تعیین مدت لازم برای مراجعته به دادگاه صالح از تکلیف مراجع کیفری است.

## 6: جنون متهم :

الف- به هنگام وقوع جرم: نخست- اگر بپذیریم مرتکبی که در حال ارتکاب جرم مجرمین یا دچار اختلال دماغی بوده اصولاً جرم محسوب نمی شود باید قرار منع تعقیب از سوی دادسرا صادر کرد

دوم- اگر جنون مرتکب را در هنگام وقوع جرم فقط یکی از عوامل رافع مسئولیت تلقی کنیم باید قرار موقوفی تعقیب از سوی دادگاه متجلی شود.

ب- جنون حادث پس از وقوع جرم: ابتلای متهم به جنون پس از وقوع جرم از موانع تعقیب دعواه عمومی است یا هدف اعطای حق دفاع متهم صورت می گیرد قرار موقوفی تعقیب صادر میشود.

ج- جنون محکوم عليه : مسقط مجازات نیست چه حد و چه تعزیر.

## مبث ششم: علل سقوط دعواه عمومی:

در فرانسه، فوت متهم، مرور زمان، عفو، نسخ قانون جزا، امر مختوم کیفری، صلح و سازش، استرداد شکایت.

### 1- مرور زمان کیفری:

الف- علت وضع مرور زمان : دلایل مخالفان و موافقان

- انگلستان و هم چنین فقه امامیه مرور زمان را نپذیرفته اند

- قانون سابق روسیه در مورد مجازات اعلام مرور زمان را بپذیرفتند.

- فقهای حنبی و حنفی مرور زمان را پذیرفته اند

- در عمل دادگاه های ایران پاسخ شورای نگهبان مبنی بر غیر شرعی بودن مرور زمان را به امور کیفری نیز تسری داده است.

آثار مترتب بر مرور زمان کیفری: برخلاف امور حقوقی در امور کیفری مرور زمان همیشه م سقط است اما هیچگاه موجب امحای محکومیت نمی شود قرار موقوفی تعقیب

- مرور زمان در امور کیفری از قواعد آمده و ناظر به نظم عمومی است.

### ب- اقسام مرور زمان:

نخست- مرور زمان شکایت : شش ماه است، اگر شاکی فوت کند وارث مجد از شش ماه از تاریخ فوت فرصت دارد شکایت کنند.

دوم- مرور زمان تعقیب: اصولاً از مدت مرور زمان مجازات کمتر است.

سوم- پس از گذشت مرور زمان مجازات حتی در صورتی دستیابی به مجرم مجازات فاقد مجوز است.

#### ج- مبدأ مرور زمان :

نخست- در قانون مجازان 1304 به مبدأ مرور زمان اشاره ای نشده بود

دوم- در قانون سلال 52 ابتدای مرور زمان در جرایم آنی تاریخ وقوع جرم ، و در مورد جرم مستمر تاریخ قطع استمرار

سوم- جرایم آنی، برای احتساب مرور زمان در این جرایم باید فردای روزارتکاب جرم را مبدأ مرور زمان قرار داد.

- در جرم خیانت در امانت: مبدأ مرور زمان تاریخ مطالبه مال مورد امانت و انکار امین است.

- در جرم کلاهبرداری: مبدأ مرور زمان از تاریخ آخرین تسليم شروع میشود.

- در جرم افترا : شروع مرور زمان طبعاً از تاریخ قطعیت عجز از اثبات و ثبوت کذب شکایت شاکی است نه صرف اعلام شکایت و اسناد بزه.

چهارم- در جرایم مستمر : درمورد ثبت م لک غیر مبدأ مرور زمان تاریخ ثبت آن در دفتر املاک است نه تاریخ انقضای مدت اعتراض.

## VARAMIN-TPNU-AC.VCP.IR

### دانشگاه پیام نور مرکز ورامین - رشته حقوق

Varamin\_news@live.com

پنجم- در جرم به عادت : مرور زمان از تاریخ وقوع آخرین عمل که از ارکان تشکیل دهنده به عادت است شروع می شود.

د- انقطاع مرور زمان: مرور زمان بر اثر هر اقدام تعقیبی یا تحقیقی قطع می گردد اگر چه مرتكب هنوز معلوم نباشد.

نخست- اقدامات قاطع مرور زمان : تحقیق از متهم، بازرسی منزل، معاینه محل، است ماع شهادت شهود و ... چون مرور زمان ناظر به نظم عمومی است چنانچه دو جرم با یکدیگر ارتباط داشته باشند قطع مرور زمان نسبت به یکی در دیگری نیز مؤثر است.

دوم-- آثار قطع مرور زمان : مرور زمان جدیدی آغاز می گردد که مدت آن همان مدت مرور زمان قبلی است  
انقطاع مرور زمان برخلاف تعلیق آن مطلق و غیر شخصی است

قطع مرور زمان علاوه بر دعواه عمومی به دعواه خصوصی نیز قابل دسترسی است و کلیه زیان دیدگان از جرم از آن بهره مند می گردند.

- دفعات قطع مرور زمان: نخست-انقطاع نامحدود : این انقطاع با علت وضع مرور زمان که فراموشی ج رم است مغایرت دارد و سبب می شودکه دعواه جزایی فقط با فوت متهم پایان پذیرد.

دوم- انقطاع محدود مرور زمان فقط برای یکمرتبه قطع می گردد، قانون ایران نیز این را پذیرفته است.

- ه- تعليق مرور زمان : در مواردی است که قانوناً تعقیب جزایی موقول به اجازه مراجع به معیی ن یا منوط به رسیدگی و تعیین تکلیف موضوع خاص در مرجع صالح دیگری باشد مرور زمان متوقف و مدتی که تعقیب جزایی به علل مذکور معلق مانده جزء مدت مرور زمان نیست.
- موانع سبب تعقیب مرور زمان : نخست- موانع عملی، یا همان فورس ماژور، جنگ، اشغال نظامی دوم- موانع حقوقی، اساطیر، مصونیت پارلمانی درکشورهایی که اصل تعرض ناپذیری پذیرفته شده ، بازداشت متهم در خارج از کشور، کسب مجوز و تعقیق قاضی.
- ن- پذیرش محدود مرور زمان در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری : مرور زمان تعقیب و مرور زمان مجازات در جرایمی که مجازات قانونی آن از نوع مجازاتهای باز دارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی پذیرفته شد- مجازات حبس تعزیری نیز مشمول مرور زمان میشود.
- مدت مرور زمان تعقیب : در موردی که حداقل مجازات مقرر در قانون بیش از سه سال حبس یا بیش از یک میلیون ریال جزای نقدي باشد با ۱ نقضای مدت ۱۰ سال ، چنانچه حداقل مجازات کمتر از سه سال حبس یا جزای نقدي تا یک میلیون ریال باشد با انقضای مدت ۵ سال، مجازات غیر از حبس یا جزای نقدي با انقضای مدت سه سال
- مدت مرور زمان مجازات: با تعقیب یکسان است
- مرور زمان احکام صادره از سوی محاکم خارجی : پذیرفته شده است.
- مرور زمان و ضرر و زیان شاکی یا مدعی خصوصی : اسقاط حق عمومی به جهتی از جهات قانونی موجب اسقاط حقوق خصوصی نیست.

## 2-س- فوت متهم:

- یکی دیگر از علل سقوط دعواهای عمومی : فوت متهم از آن نظر جزء موارد سقوط دعواهای عمومی تلقی می گردد که در حقوق جزای مدرن با توجه به اصل شخصی بودن مجازاتهای اعمال کیفر بر بازماندگان متوفی جایز نیست. سقوط دعواهای عمومی یا مجازات بر اثر فوت در این موارد قابل تصور است.
- الف- فوت متهم مقدم بر تعقیب امر جزائی : در این صورت نهاد تعقیب، حتی اگر اعلام جرم و گزارش رسمی نیز به عمل آمده باشد، نه قادر و نه مکلف به تعقیب است و باید دستور بایگانی اقدامات احتمالی انجام شده از سوی ضابطان دادگستری را صادر کند.
- ب- فوت متهم در جریان تعقیب و رسیدگی : در این صورت مرجع تعقیب یارسیدگی کننده مکلف به اصول قرار موقوفی تعقیب است. در این باره مقامات قضایی مذکور مکلفند نسبت به فک تأمین اخذ شده، اعم از تأمین خواسته و یا وثیقه، ضمن صدور قرار موقوفی تعقیب، اقدام کنند.
- نک : اگر دادستان بدون اطلاع از فوت متهم مکلف دعواهای کیفری را مطرح کرده باشد، چنانچه دعواهای مذکور منجر به صدور حکم غیابی از دادگاه بدوى شود. این حکم پس از کشف قضیه از درجه اعتبار ساقط است
- ج- فوت محکوم عليه قبل از سپری شدن مهلت شکایت از حکم : در مواردی که تعقیب منجر به صدور حکم یا قرار در زمان حیات متوفی گردیده، اما محکوم عليه قبل از سپری شدن مهلت اعتراض، پژوهش یا فرجام فوت کند، چنانچه حکم

بر برائت متهم صادر شده باشد، این حکم قطعی است و مقام تعقیب حق تقاضای استیناف یا تمیز را از حکم مذکور ندارد؛ اما در صورتی که حکم، مبنی بر محکومیت متهم و از احکام غیر قطعی باشد، فوت متهم مانع قطعی شدن حکم می شود و چون آثار محکمه و حکم از بین می رود، چنانچه متهم محکوم به پرداخت جزای نقی یا ضبط اموال شده باشد، امکان مطالبه ی جزای نقی یا ضبط اموال از وراث متوفی، به علت اینکه حکم صادره فاقد اعتبار گردیده، وجود ندارد.

د- فوت محکوم علیه پس از شکایت از حکم محکومیت : در این صورت دادگاهی که مشغول رسیدگی است، پس از اطلاع باید با صدور قرار موقوفی تعقیب، سقوط دعوای عمومی را اعلام کند.

۵- فوت محکوم علیه پس از صدور حکم قطعی : در این صورت، اگر چه چنین حکمی هنوز دارای اعتبار است، نمی تواند به مرحله ی اجرا گذاشته شود. نک : در صورت فوت متهم پس از صدور حکم قطعی، امکان وصول دیه از ما ترک متوفی وجود دارد. ولی امکان وصول جریمه و جزای نقی وجود ندارد.

### 3- عفو:

عفو بزهکاران یکی از ابزارهای سیاست جنایی است. سزار بکار یا از مخالفان عفو بود.

#### الف- اقسام عفو عمومی :

نخست- عفو مطلق و مقید: در عفو مطلق، قانونگذار هیچ گونه شرطی برای استفاده ذی نفع از آن در نظر نمی گیرد، اما در عفو مقید و با هدف «فردی کردن» قانون عفو، قانونگذار می تواند شرایطی از قبیل پرداخت جزای نقی، جبران خسارت از مجني عليه یا اخذ رضایت او راشرط استفاده از قانون عفو قرار دهد.

دوم- عفو واقعی و شخصی : در عفو عمومی واقعی، قانونگذار فقط نوع جرائم ارتکابی و یا مجازاتهای تعیین شده برای آنها را بدون توجه به خصوصیات بهره مندان از آن (سوابق، سن، ملیت و ...) مدنظر دارد، حال آنکه در عفو شخصی، قانونگذار فرد خاص یا شهروندانی را که واجد ویژگی هایی هستند (اسیر جنگی، رزمنده، فاقد سابقه کیفری و ...) مشمول قانون عفو قرار می دهد.

**VARAMIN-TPNU-AC.VCP.IR**

**دانشگاه پیام نور مرکز ورامین - رشته حقوق**

Varamin\_news@live.com

سوم- عفو عمومی خاص: برای هر چه بیشتر فردی کردن عفو، در بعضی موارد از عفو عمومی خاص استفاده می شود . در این نوع عفو، کسانی که موفق به دریافت عفو خاص از مقامی معین و در مدتی معین شوند، در زمرة ی بهره مندان قانون عفو تلقی می گرند.

چهارم- عفو عمومی قضایی : این عفو، نوع نسبتاً جدیدی از عفو است که در آن فردی کردن، بویژه مدنظر قانونگذار است. در این نوع عفو، قانونگذار اجازه می دهد، افرادی را که به میزانی معین از مجازات محکوم می شوند یا برای مثل، مجازات آنان تعلیق می شود، از سوی قاضی مشمول عفو قرار گیرند.

ب- آثار عفو عمومی و مقایسه آن با عفو خاص : در عفو خاص، ارتکاب جرم به اعتبار خود باقی مانده، محکومیت در سجل کیفری درج می شود و احتمالاً تأثیری بر وضعیت شرکا و معاونان جرم ندارد . در عفو عمومی، خاصیت مجرمانه

عمل و به تبع آن، مجازات ساقط می شود و به همین دلیل، در مواردی که قانون عفو عمومی قبل از تعقیب متهم به تصویب بررسد، امکان تعقیب از دادسرا یا نهاد تعقیب مشابه سلب می گردد و چنانچه عفو عمومی پس از ارتکاب جرم و تعقیب آن، لکن پیش از محکومیت به تصویب بررسد، دعواهای عمومی ساقط میگردد و مقام قضایی باید در این موارد به اصرار قرار موقوفی تعقیب اقدام کند و چنانچه قانون عفو عمومی پس از محکومیت به تصویب بررسد، محکومیت زایل می شود و دارای آثار زید هست: نخست-- از مثبت محکومیت در سجل قضایی خودداری و در صورت ثبت، نسبت به احوال آن اقدام می شود .

دوم- جرم مشمول عفو، مانعی در راه اعطای تعلیق نیست.

سوم- عفو عمومی اقدامات تأمینی را در بر نمی گیرد.

چهارم- چنانچه عفو عمومی شخصی باشد، ناگزیر باید دعوا در محکمه طرح گردد تا مشخص شود آیا متقضی، شرایط مورد نظر قانونگذار را احراز کرده است یا خیر.

#### ج- عفو در قوانین موضوعه ایران:

نخست- قبل از انقلاب: قبل از انقلاب اسلامی، عفو در جرایم عمومی از آن قوه ای مقنه و در جرایم سیاسی از آن شاه بود .

دوم- بعد از انقلاب: در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عفو از اختیارات مقام رهبری شناخته شده است.

عفو مقام رهبری ناظر به محکومان است و بنابراین جرایمی که رسیدگی به آنها در مرحله ای تعقیب کیفری است یا هنوز تعقیب آنها شروع نشده با تصویب مجلس شورای اسلامی و به موجب قانون خاص میتوانند مشمول عفو عمومی قرار گیرند.

نک: عفو مقام رهبری در حدود موازین اسلامی امکان پذیر است و در حدود و در حدود و قصاص و دیات، با توجه به ضوابط حاکم بر تفکیک حق الله از حق الناس و آثار مترتب بر آن صورت می پذیرد.

نک: عفو مقام رهبری کلیه محکومیتها را در بر می گیرد.

#### 4- اعتبار امر مختوم کیفری و آثار آن:

الف - کلیات: در امور کیفری آنگاه که حکم یا قراری مراحل مختلف رسیدگی، اعم از بدوي، پژوهش و فرجامی را طی کرده و یا مواعد آنها سپری شده باشد، از اعتبار امر مختوم کیفری برخوردار است . و در نتیجه، طرح مجدد دعوا و تقاضای رسیدگی به آن جواز طریق اعدا دادرسی فاقد مجوز قانونی است . پایه و اساس اعتبار امر مختوم، اماره قانونی صحت احکام است . منع تعقیب مجدد از قواعد ناظر به نظم عمومی است و به این علت، اولاً- در تمام مراحل اعم از تعقیب یار رسیدگی و حتی در مرحله ای تجدید نظر و فرجمان نیز از سوی ذی نفع قابل اعلام است، ثانیاً مقام قضایی، اعم از دادستان، قاضی تحقیق و دادگاه مکلفند پس از اطلاع، رأساً از ادامه ای تحقیق و رسیدگی امتناع کرده، به اصرار قرار موقوفی تعقیب مبادرت ورزند.

ب - شرایط حصول امر مختوم کیفری: برای اینکه امر مختوم کیفری حادث شود باید وحدت سه گانه اصحاب دعوا موضوع و سبب وجود داشته باشد . نخست - وحدت اصحاب دعوا : منظور این است که دعوا باید سبقاً بین همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوا، قائم مقام آنها هستند، مطرح شده باشد . با این همه، عامل طرح دعوا تأثیری بر حصول امر مختوم ندارد . دوم- وحدت موضوع (واقعه مجرمانه) : شخص واحد را نمی توان دوباره به اتهام ارتکاب یک واقع مجرمانه تحت تعقیب کیفری قرار داد . سوم- وحدت سبب : سبب طرح دعواهای عمومی، همان حفظ حقوق جامعه از طریق اعمال مجازات یا اقدامات تأمینی و توبیتی بر مجرم است.

**ج - حاکمیت امر مختوم کیفری بر حقوقی :** حاکمیت امر مختوم کیفری بر حقوقی ایجاب می کند که دادگاه حقوق مجاز نباشد تصمیمی مغایر با تصمیم دادگاه، کیفری اتخاذ کند و برای مثال متهمی را که در دادگاه جزا برائت حاصل کرده، مجرم بشناسد.

نک : در مواردی که شاکی خصوصی، دعوای ضرر وزیان خود را در دادگاه رسیدگی کننده به امر کیفری نکرده و یا به علتی از علل قانونی، دعوای مذکور منجر به صدور حکم از دادگاه کیفری نشده باشد، شاکی حق دارد، دعوای ضرر و زیان خود را در مقابل دادگاه صالح (حقوق) اقامه کند.

نک : حاکمیت ام رمختوم کیفری بر حقوق فقط اصحاب دعوا ذی نفع در اعلام آن شناخته می شوند . نک : حاکمیت امر حقوقی بر کیفری وجود ندارد.

**د - نگاهی اجمالی به امر مختوم کیفری بین المللی:** به نظر می رسد که با پذیرش مرور زمان برای احکام صادره از سوی دادگاههای خارج از کشور نسبت به اتباع ایرانی در قانون آیین دادرسی کیفری جدید، قانونگذار تصمیمات متخذه از سوی مراجع کیفری کشورهای بیگانه راه طی شرایطی معتبر شناخته است.

## 5- نسخ مجازات قانونی:

همانند عفو عمومی، نسخ مجازات، به صورت صریح یا ضمنی، عنصر قانونی جرم را از زدوده، خاصیت جرم بودن عم ل ارتکابی را از بین می برد. آثار مترتب بر نسخ قانون کیفری را می توان در دو فرض بیان کرد:

الف- نسخ مقدم بر صدور حکم: چنانچه نسخ قانون جزا پس از وقوع جرم و قبل از اینکه متهم مورد تعقیب قرار گیرد، واقع شود، مقام تعیب مکلف است دستور بایگانی اقدامات احتمالی ۱ نجام شده توسط ضابطان را صادرکند، اما در موردی که نسخ قانون جزا در مرحله تحقیقات مقدماتی و پس ازبه جریان افتادن دعوای عمومی صورت پذیرد، نهاد تعقیب یا دادگاه مکلف به اصرار قرار موقوفی تعقیب و امتناع از ادامه تحقیق است.

ب - نسخ موخر بر صدور حکم : در صورتو که به موجب قانون سابق، حکم قطعی و لازم الاجرا شده باشد، به دستور ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی، حکم قابلیت اجرایی خود را از دست می دهدو اگر در جریان اجرا باشد، موقوف الاجرا می ماند. نک: نسخ قانون جزا لطمہ ای به حقوق زیان دیدگان از عمل ارتکابی، که سابقاً جر م تلقی می شده، وارد نمی کند . نک: نسخ قانون جزا، به علت اینکه منجر به امحای آثار قانونی جرم می شود و به شکل نسخ موضوعی عمل می کند . نه نسخ شخصی، به شرکا و معاونان جرم نیز تسری می یابد.

## 6 - استرداد شکایت:

از دیدگاه اصولی، گذشت شاکی و استرداد شکایت هیچ گونه تأثیری بر دعوای عمومی ندارد و فقط باید از موجبات سقوط دعوای خصوصی محسوب شود. با این همه، قانونگذار در جرائم قابل گذشت و به لحاظ رعایت صالح اجتماعی یا خانوادگی جنبه‌ی خصوصی برخی از جرائم را بر جنبه‌ی عمومی شان رجحان داده، اعلام گذشت یا استرداد شکایت نه فقط دعوای خصوصی، بلکه دعوای عمومی را نیز به تبع آن ساقط و مرجع قضایی رسیدگی کننده را مکلف به اصرار قرار موقوفی تعقیب می کند.

### - ویژگی های اعلام گذشت:

نخست- اعلام گذشت اعم است از کتبی، شفاهی، رسمی، یا عادی نک: در اعلام گذشت عادی، واقعیت گذشت باید بر دادگاه محرز شود.

دوم- چنانچه متضرر از جرم ، در جرایم قابل گذشت، قبل از شکایت به مقامات قضایی، اعلام گذشت کند، حق شکایت خود را از دست می دهد.

سوم- گذشت باید منجز باشد. به گذشت معلق و مشروط، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

چهارم- هرگاه زیان دیدگاه از جرم متعدد باشند، هر چند تعقیب جزایی باشکایت هر یک از آنان آغاز می شود، موقف ماندن تعقیب، رسیدگی و یا مجازات موكول به گذشت تمام کسانی است که شکایت کرده اند.

پنجم- حق گذشت به وراث قانونی متضرر از جرم منتقل می شود و در صورت گذشت همه ای وراث، تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف می شود.

ششم- عدول از گذشت اصولاً مسموع نیست.

## 7- صلح و سازش با متهم :

امکان قانونی صلح و سازش دادسرا با متهم اصولاً وجود ندارد، برخلاف دعوای خصوصی که متعلق به زیان دیده از جرم است و صلح و سازش امکان دارد.

## فصل دوم: دعواهای خصوصی

### مبث اول: شرایط اقامه دعواهای خصوصی:

1- دعواهای خصوصی، دعواهای ضرر و زیان متضرر از جرم است، در مقام دادگاهی که به امر کیفری رسیدگی می کند.

2- همه جرائم الزاماً واجد جنبه خصوصی نیستند، ولی همه ای جرایم جنبه ای عمومی دارند.

3- رسیدگی به دعواهای ضرر و زیان نیازمند تقدیم دادخواست و رعایت ضوابط قانونی ناظر به آن است.

4- شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان می شود و یا حقی از قبیل قصاص و فدف پیدا کرده و آن را مطالبه می کند، مدعی خصوصی نامیده می شود.

5- پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفت، مدعی یا شاکی می تواند اصل یا رونوشت تمامی دلایل و مدعی خود را جهت پیوست به پرونده، به مرجع تعقیب تسليم کند و نیز می تواند قبل از اعلام ختم دادرسی تسليم دادگاه نماید.

6- مطالبه ای ضرر و زیان مستلزم رعایت تشریفات آینین دادرسی مدنی می باشد.

7- هرگاه دادگاه متهم را مجرم تشخیص دهد، مکلف است ضمن صدور حکم جزایی، حکم ضرر و زیان مدعی خصوصی را نیز طبق دلایل و مدارک موجود صادر نماید، مگراینکه رسیدگی به ضرر و زیان محتاج تحقیقات بیشتری باشدکه در این صورت دادگاه حکم جزایی را صادر، پس از آن به دادخواست ضرر و زیان رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر می نماید .

8- در صورت صدور حکم بیوانت: باز هم دادگاه مکلف به رسیدگی به دادخواست ضرر و زیان می باشد.

9- جهات سقوط دعواهای خصوصی ناشی از جرم عبارت است از : مرور زمان، گذشت متضرر از جرم و صدور حکم قطعی همراه با جهات کلی سقوط تعهدات.

### مبث دوم: اقسام ضرر:

1- ضرر و زیان قابل مطالبه به شرح ذیل می باشد:

(الف) ضرر و زیان مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است.

(ب) منافعی که ممکن الحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می شود.

- 2- ضرر وزیان مادی، خسارّتی است که بر اثر ارتکاب جرم به اموال و دارایی مجنی علیه وارد می شود.
- 3- منظور از منافع ممکن الحصول اعم از مستوفات و غیر مستوفات است.
- 4- منفعت باید محقق و مسلم باشد.
- 5- جبران ضرر و زیان معنوی باتوجه به قانون آیین دادرسی کیفری (1378) قبل ملاحظه نیست.
- 6- خسارت جسمانی به سه دسته تقسیم می شوند: الف) مادی ب) معنوی ج) عدم النفع
- 7- پرداخت ضرر وزیان ناشی از جرم، زاید بر مقدار دیه، فاقد مجوز قانونی است.

نمایه

## VARAMIN-TPNU-AC.VCP.IR

دانشگاه پیام نور مرکز ورامین - رشته حقوق

Varamin\_news@live.com